



## جنگ خلق

نشریه سیاسی خبری سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)

شماره چهارم، دور اول، جوزای 1391 خورشیدی

جنگ خلق تا کمونیسم!

شماره ویژه شهید رفیق مجید کلکانی

---



## بمناسبت سی و دومین سالگرد شهادت رزمنده کم نظیر کشورما رفیق (مجیدکلکانی)

انسان وقتی در بلندا قرار میگیرد سطح پایین را بدرستی دیده و تشخیص میتواند و از آن بدیگران نیز معلوماتی دقیق داده میتواند. همین سان است شناخت انسان های بزرگ از انسان های معمولی.

شخصیت های بزرگ بسادگی ابعاد شخصیت های کوچک را درک و معرفی می نمایند، اما برای

انسان های کوچک درک ابعاد شخصیت های بزرگ دشوار است، بابت نیک در مورد آنها سخن میگوئیم تا دین خود را در برابرشان ادا کرده باشیم، ولی معلوم میگردد که بعلت نادانی و کم فهمی بجای راه ثواب، راه خطا رفت ایم.

عادلانه نخواهد بود اگر بگوئیم که، مجید شخصیت بی نظیر تاریخ کشورما بود، اما با جسارت گفته میتوانیم که

**مجید شخصیت کم نظیر جامعه ی ما بود.** این را هم ما میدانیم و هم دشمنان او میدانستند و میدانند.

فقدان شخصیت مجید و هم‌زمان بزرگ او خلایی است که باگذشت بیشتر از 3 دهه هنوز پرنگر دیده است و جنبش انقلابی کشور ما از این جهت رنج میبرد. زیرا تاریخ انسان های ویژه را کمتر بدینا میآورد.

ویژه گی مجید در تاریخ مبارزاتی 5 دهه ی اخیر کشور ما این بود که به حرف خود باور داشت و آنچه میگفت در پی تحقق و عملی کردن آن، نخست خود گام برمیداشت.

همه غرایز انسانی مانند سایر انسان ها در وجود مجید نیز بود، مانند (غریزه زندگی کردن، زن و فرزند داشتن و...) اما او اهمیت و جایگاه هر چیزی را مشخص کرده بود. غریزه آزادی و عشق به وطن برایش مقدم بر همه چیز بود و همه چیز خود را در راه رسیدن به آن فدا کرد.

تیوری را رهنمای عمل خود قرار میداد و از حرافی زیر سقف بدور از پراتیک اجتماعی متنفر بود.

او از کودکی رنج استبداد را چشید و راه مبارزه با استبداد، استعمار و ارتجاع را در پیش گرفت و در این راه استوار و صادقانه تا آخرین لحظات زندگی خود گام زد.

مجید از آوان جوانی در جهت آگاهی دادن به جوانان آغاز کرد و به شماری از جوانان در راه مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی محور شد. او با گروه خود در سال 1353 با گروه انقلابی خلقهای

افغانستان تحت رهبری شهید داکتر فیض وحدت کرد، اما بعد از کودتای بدفرجام و ننگین 7 ثور 1357 بنا بر موضوع گیرهای این گروه در قبال اوضاع آن وقت مجید از گروه انقلابی خلقهای افغانستان جدا شد تا به نیاز اوضاع آن وقت پاسخ بگوید.

مجید تعدادی از گروه های روشنفکری سرگردان آن زمان را از بلاتکلیفی نجات داد و با آنها سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) را بخاطر پاسخ به نیاز مبرم اوضاع در سال 1358 اساس گذاشت و این سازمان جنگ چریکی را علیه رژیم دست نشاده، روس در تمام ولایاتی که حضور داشت آغاز کرد.

بعد از اعدام مجید سازمان ساما، با وجود تقلای زیاد و قربانی فراوان که داد هیچگاهی خلای فقدان

مجید را در درون ساما پرنخواست .

## پر راهرو باد راه سرخ شهید رفیق مجید کلکانی

مجید مصمم بود که این جنگ را با اتکاء به توده های مردم تا سطح جنگ منظم و فراگیرانکشاف دهد، اما دریغ و درد که او در جریان این تلاش ها در 8 حوت 1358 دستگیر و از سوی رژیم دست نشانده روس (باند وطن فروش خلق و پرچم) در هجدهم جوزای 1359 اعدام گردید.

این سازمان بر مبنای تحلیل پیشکسوتان خود در جنگ آزادیبخش شرکت کرد و مطابق ظرفیت خود

ادای دین نمود و بهترین های خود را در این راه نیز بخاطر آزادی وطن فدا کرد، اما بنا به نوبت بودن این سازمان از یک جهت، از جهت دیگر تمرکز دو ابر قدرت جهان و نوکرانشان برای نابود کردن آن

این سازمان نتوانست رهبری جنگ خلق ما را بدست گیرد. نه تنها اینکه به این خواست برحق خود دست نیافت بلکه، در زیر آتش متقاطع دشمنان رنگا رنگ از متن جنبش خلق ما دور ساخته شد.

سازمان ساما با از دست دادن فرزندان اصیل انقلابی اش مانند مجید کلکانی، قیوم رهبر، نادر علی پویا و دیگران دیگر نتوانست قامت راست نماید و در نبود چنین سکندارانی این سازمان در جازد.

مزید بر آن این سازمان حد اقل در دودهمهء اخیر دچار انحرافات گردید، بویژه بعد از اشغال افغانستان توسط نیروهای خارجی به سردمداری امپریالیسم امریکا.

این سازمان از سال 2001 میلادی تا کنون در مورد اشغال افغانستان توسط امریکا موضعگیری مشخص روشن و انقلابی ندارد و در این مورد اسنادی نه در سطح داخل سازمانی و نه در سطح جنبش

ارایه نکرده است و در برابر اوضاع برخورد منفعلانه و دنباله روانه اختیار نموده است. در حقیقت بعد از اشغال افغانستان توسط امپریالیسم امریکا و دیگر سگان آن این سازمان بسوی خود بیگانگی در حرکت افتاده است.

به نظر من هر شی و پدیده بنا بر ماهیت آن از دیگر پدیده ها تفکیک و حضورش متجلی میگردد.

**به باور من دیگر سازمانی بنام ساما وجود ندارد** و اگر کسانی زیر این نام فعالیت دارند که قانون اساسی

دولت دست نشانده را پذیرفته اند و در وزارت عدلیه ی آن حزب خود را راجستر کرده اند، سامایی نیستند، فقط دو کاندارانی هستند که به سود و زیان اقتصادی خود می اندیشند نه به انقلاب و آزادی مردم و وطن خود.

سامای مجید، ماهی مرده نبود که با جریان حوادث سیر کند. سازمان آزادیبخش مردم افغانستان، سامای مجید حوادث سیاسی را پیشینی و در قبال آن اعلام موضع میکرد. شبنامه های این سازمان (،خروش رعد در پکتیا، روس اشغالگر در سراشیب رسوایی و تباهی، در سنگر اعتصاب ببر انقلاب خفته است، غرش رعد بهاری در شمالی...) اسنادی اند که به این گفته ها صحنه میگذارند.

بیشتر از 3 دهه از نبود مجید می گذرد، اما نام وی سرود لبان همه روشنفکران انقلابی کشور ماست.

این واقعیت می‌رساند که مجید نامی است ماندگار در تاریخ مبارزات انقلابی کشور ما و مردم ما پاسدار حقیقت اند.

زندگی و مرگ مجید درسی است برای کسانی که خواهان مبارزه و انقلاب هستند.

اعدام مجید، یک مسله‌ی دیگر را نیز به ما یاد داد که انسان‌های رسالت‌مند و بزرگ نه تنها این که مسوولیت این را دارند که انقلاب خلق را بخاطر نجات سکانداری نمایند، بلکه مسوولیت زنده ماندن

خود را نیز بخاطر انجام این امر خطیر دارند، که کم توجهی به این مسله و سپردن سکانداری انقلاب به دست انسان‌های کم ظرفیت و پورتست، راه را به بیراهه می‌برند. نمونه‌های آنرا در سطح ملی و بین‌المللی داریم.

بعد از مرگ استالین حزب کمونیست شوروی به انحراف رفت، بعد از ماتسه دون چین و بعد از مجید ساما!

بنا "همانطوریکه هر پدر در برابر فرزند خود تا سن بلوغ مسوولیت دارد، رهبران خردمند و بزرگ نیز تا به پختگی رسیدن حزب و سازمان خود مسوول اند و بخاطر این مسوولیت باید خود از مرگ خود بهر اسند، تازنده بمانند و رسالت خود را تمام نمایند.

امروز وطن فروشان اعم از چپ و راست در غیابت مجید‌ها این وطن را با خیال راحت زیر نام‌ها و عناوین مختلف می‌فروشند و مزار شهیدان پاکبازما جولانگاه استعمار گردیده است و هنوز که هنوز است سازمان‌های که لاف انقلاب را می‌زنند شعار مشخص و بسیج‌گری که بتواند توده‌ها و روشنفکران را بسوی عمل بکشانند ارایه نکرده اند و گام پیش نگذاشته اند.

در این نوشتار نخواستم سجایای مجید را ذکر و وصف کنم، زیرا مردم و حالا حتی دشمنان مجید او را توصیف می‌کنند.

مستطقی او انجینر لطیف اسک، در مورد دانش، استواری و از-خود-گذری او در سایت انترنیت اعتراف نموده است. به حق است که سازمان آزادیبخش مردم افغانستان تحت رهبری شهید مجید کلکانی را یکی از خوشنامترین سازمانهای برخاسته از متن جنبش شعله جاوید گفته اند.

**جاودان باد یاد مجید و همه انقلابیونی که در راه آزادی میهن و زحمتکشان خود را فدا کردند!**

**مرگ به تمام امپریالست‌های خوانخوار و مرتجعین همدست شان!**

نیشته: رفیق "خیزش"

مشفق

زمانه مجد ترا ای مجید با لب سرخ

نیایش دل پر خون بامدادان کرد

شفق، طلوع ترا جاودانه گشت گواه

ز قطره قطره خونت، هجا هجا پر تو

به شهر بند حماسه،

هزار بیشه، پر از شیر-بیت اوج برین

غرور دیوان کرد.

شفق، شقایق دلسوخته تر از من بود

که سوگوار ترا -آفتاب آزادی-

به گام حادثه پیمود

بی نوید مجید.

ایا سوار سرافراز ابر های غرور

ایا تناور شبگیر موجخیز عبور

ایا سراق غیرت

ایا نهنگ سرآهنگ موج های رها

ایا تبار ترانه

عروض رایت شورا!

ترا ز عطر بهار

ترا ز لهجه دریا

ز پویه -خیز نسیم

تراز سبز صنوبر

کیود سار سپهر

تراز شعله ی شبنم

تراز آتش مهر

تراز "راز گل سرخ"

در دل شبها

تراز قامت سرو

تراز خواب بنفش ستاره گان سحر

- خوش آمدید یل آفتاب کوهستان-

تراز چار سوی دل

-حدود طوفان ها-

گرفته ام مشتق.

و باز در گذر "بی نهایت" شبها

هنوز در گرو حل سرخساره ات

به کوه کوه شیاران ذهن "لوپیتال"

- و نیز شاید بر میز کهنه "لیبنتیس"

- میان جمع پریشان چلچله ایمان

به پیشوار سحر چون خروس میخوانم!